

کلید واژه ها:
خیال، خیال انگیزی، تخیل، موجود، تمثیل، افرینش، هنری، افرینش ادبی،
پدیدایی، اعتدالی، روشنی، عرفان، تجلی، جهان برزخی، داستان های خیالی

چکیده:

خیال و خیال انگیزی محل تکوین خلاقیت ها و عالم روح ناب است. عنصری است که بشر را قادر می سازد تا نیروها و قوت های نهفته و کشف نشده را به مرحله ی ظهور و تجلی برساند. و همچنین کمک می کند تا اندیشه و عقل آدمی به صفا و روشنی واقعی خود دست یابد.

فضای تفکر و اندیشیدن یا خیال و خیال انگیزی کسترش می یابد و روح لطافت و استعداد ازلی خود را در آن می جوید. انسان شاعر و شاعر انسان با کمک تخیل به افق های دست نیافتنی زبانی و اندیشه ای دسترسی پیدا می کند و آن را محل پایداری جهت خواسته ها و ذوق ها قرار می دهد.

خیال و درک آن در پرورش استعداد و شخصیت کودکان بسیار مؤثر است و به آنان آزادی و سرعت عمل می دهد و برتر از آن کودکان را هوشمند بار می آورد. ریژینی، دقت و کنجاوی حاصل تخیل و خیال انگیزی است. پس از آن این پدیده خاص انسان های متعدد و خلاق است که با بهره گیری از آن می توانند تصویرهای معلق میان وجود و عدم را به منصه ی ظهور و فعلیت برسانند. سرانجام لذت توصیف ناپذیر و درک معنویت جز به مدد تخیل میسر نیست.

نویسنده ی مقاله اسماعیل نرماشیری، متولد سال ۱۳۴۴، روستای توردان ایرانشهر است. وی تحصیلات اولیه را در بخش بیمور و ایرانشهر به انجام رساند. دوره ی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را با رتبه ی اول از دانشگاه آزاد اسلامی ایرانشهر پشت سر نهاد و دوره ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند با موفقیت به اتمام رساند و قریب به پنج سال است که مشغول تدریس و تحقیقات ادبی و فرهنگی در سطح منطقه و دانشگاه آزاد اسلامی ایرانشهر، مرکز آموزش عالی ایرانشهر وابسته به دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ی پرستاری و مامایی و همچنین دوره ی کاردانی مرکز آموزش کشاورزی بیمور است.

پیش درآمد

پایه و اساس این نوشته همانا گذراندن زبان و اندیشه ی عباراتی بود که گاهی موجب آزار نگارنده و گاهی باعث براندگی و خسته جانی دانشجویان و دانش آموزان عموماً ادبی می شد. آنان بر این باورند که ادبیات به هیچ وجه با واقعیت سر و کاری ندارد و دنیای دانش ادبی در چرخه ی عوینت نمی گنجد و از سویی بسبب شده دانش آموزان عموماً بی علم و همی و هر و نسی هستند و مدام در رویب و تشبیهات دور و دراز و دست نیافتنی سیر نمایند و دل خوش ندارند. این تصادفها و تناقض های درونی و زبانی و برتری از آن ها سخن نه تنها دل مرگی و آزار آرام آرام ظهیر می دهد بلکه ذوق و علاقه را نیز در وجود دانشجویان و ادب و سخنکاران شبه های علوم انسانی پدید می سازد.

از این رو ارزش این مهم نگارنده را همواره بر آن می داشتیم ف فنی از کلاس های درس را و زمانی از مشاهده در حین زبانی از روش های انسانی و هنری تخیل منحصر من سازد و نقش و تأثیر آن را در نخستین دوران حیات و پس از آن تا شهادت عینی و ملموس روشن نماید. نه هر تئوری این نوشته ی کوتاه و مختصر حاصل این بحث ها است. بله، که با بهره گیری از دانسته ها و برداشته های علمی و تحقیقی صاحب نظران تحت عنوان نقش خیال و خیال انگیزی در پرورش اندیشه مطرح کرده و در نظر می رود که این مقاله و بحث زمینه یی برای افق علاقه مندان و دانشجو باشد برای آن دسته از کسانی

که آن که می اندیشند.

هر چند که امروز خیال با واژه های از قبیل «خواب، پندار، رؤیا، وهم و گمان» مترادف و هم معنی است و در باور عموم به هر گونه سخن بی اساس و بیروح اطلاق می گردونی از روی حقیقت مطلبی غیر از این هاست و سر چشمه ی این حدیث از نوعی دیگر است. چرا که انسان ابتدایی آن کاذب بی پایه و بدون دانش هر گونه توان پرورش، به مظاهر طبیعت، به آسمان و مزارگان و دشت و کوه و تپه، می پنداید نظر می دوخت، همه چیز در نظرش مرموز و دست نیافتنی و بی انتها می نمود و تنها تخیل و نیروی شگفت انگیز و فزاینده ی آن ذهن و نگاه این موجود نظاره گر را به خود متوجه می ساخت. او با استفاده از تخیل در هر شبی دنیایی مرموز می دید و می خواست که آن را به نسخه خود در آورد. اگر چه پای بر زمین داشت ولی روح او بر دامن افق و در آسمان ها به پرواز در می آمد؛ پس او پیش از آن که موجودی متفکر باشد، موجودی متخیل بوده است.

قدر مسلم این موجود برای دل سپردگی و دل بستگی با طبیعت و امور طبیعی کاملاً نیازمند به نیروی خیال بود تا زوایای مبهم و تاریک زندگی خویش خود را بشکافد و از دل آفریده ها با بهره مندی از نیروی «ادریستی» و ادگرسی «عوامل آرایش جسمانی و روحانی خود را گرد آورد.

با وجود این می توان معترف شد که «خیال و

خیال انگیزی» هرگز از زندگی انسان جدا نبوده و همواره در متن اصلی زندگی و همواره بوده است که می بایستی برای شناخت و دریافت آن به گذشته های دور و نزدیک برگشت تا اینکه فقط سخن امروزان را شنید و از مینه دید و از مینه گفت.

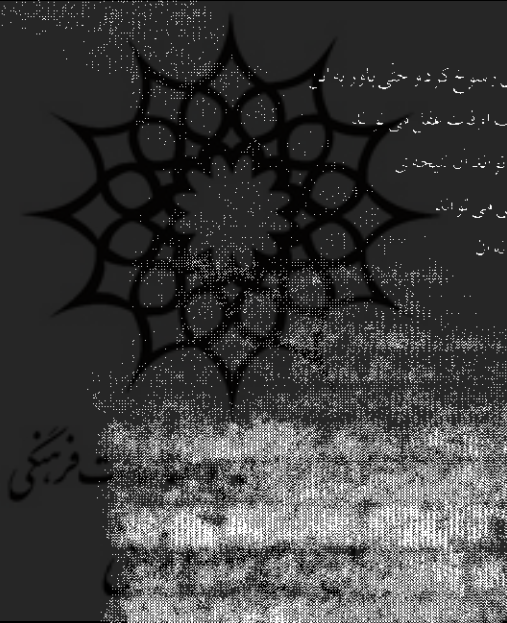
خیال و تخیل که به قول روان شناسان «استحضار صور ذهنی در غیاب موجودات آن ها» می باشد یکانه قوه ای است که با آن، انسان موجودی متعال و فاضل می شود؛ زیرا قوای دیگر، همه و حتی عقل و اراده نیز جنبه ی انفعالی دارند. به زبانی دیگر همه ی نیروها، توان فکری و احساسی انسان چون چرخه و پلونی و تخیل فیضان خیال می جوید و می تواند که خود را در دشت بی حد گسترش دهنده اندیشه و صنعت گنجینه ی انسانی و افراد انسان می گرداند خیالی که تجلی آرمانی در خود به همه جا خود دارد.

بجا و درست می نماید آن بگویم که دانشکده تمامی افرینش های هنری اغما از گذشته سازی، هنر، قالی سازی، معماری، موزیک و نوازندگی، موسیقی، افرینش های علمی و معنایی و پرورش افرینش های ادبی و شعر، افسانه، اسطوره، داستان، حکایت، ماسک و مینیاتور و خلق و زیاده ی مخدوم انسان است و از این جمله است که امروز مستعدین بر حسیته ی دنیا خیال را همواره و عنصر اصلی شعری دانند و معتقدند، پرتو خیال می توان شاعرانه بیان کرد.

نقش خیال و خیال‌انگیزی در پرورش اندیشه



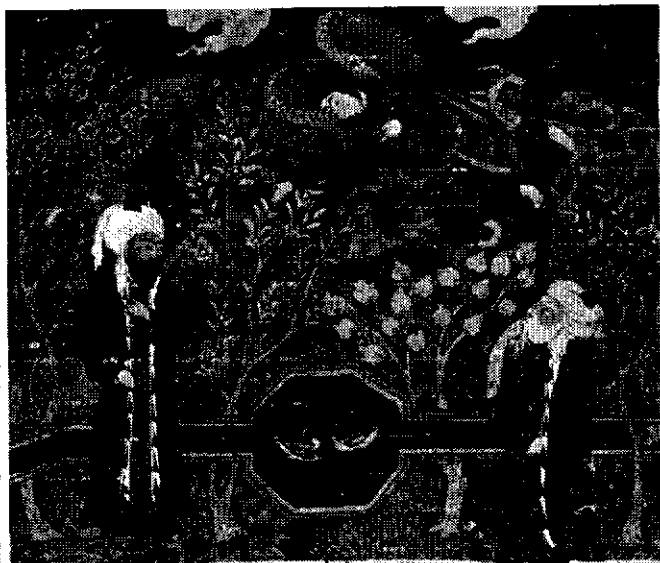
۶ اسماعیل زرماشیری



و به سبب محدودی تخیل است که می‌توان به سهولت در تقویت ذهن بشری دستخورد و حتی باور به آن است که فح منقض از او در تخیل به گونه‌ای فراهم آمده است که اغلب اوقات عطف می‌شود از فکر او نتیجه نگردد. در همین مرتبه که خود را به عادت قضیه نمی‌تواند آن نتیجه‌ای دلخواه برآورد و خود در آینه‌ی راستی این همه تخیل است که به اجتناب می‌تواند تمسک را سبب آن سال به عقب براندازد و قرن در به جلو برده در آینده‌ای که آن چندان دور نکرده‌اند، نگاه‌ها، که برای بسیاری از مردم عصب، خود در زوایای خیالات باشد.

پس پدیده‌های خیالی انکیز رؤس و زورن، از جمله فرود آمدن در تیره‌ی صدها که امروزه به واقع گردیده خود سهولت‌های آن است. و انکیز تخیل و سبب اصلی انکیز ادب عالمی است. و فلسفی را اینست که در زمانه عدل پرورش استعدادهای علمی

تخیل و خیال



جهان خیال
یک جهان برزخی
است و در حکم
رمز عوالمی است
که خود واسطه
بروز آن هاست و
محل پایداری
موجودات معنوی
است. تخیل فعال
اندامی است که از
راه آن به مثال ها،
مرایا و تجلیات
می رسم. در نظر
گرفتن آن به عنوان

جوانان سؤال کرده بودند، در جواب گفته بود «شنیدن و خواندن قصه های کودکان یعنی داستان های خیال انگیزی که مغز را به تفکر و اندیشیدن وامی دارد.»^۵ بوعلی سینا از این هم فراتر می رود و در مبحث وحی و نبوت پیامبران را واجد سه شرط اساسی می داند که یکی از آن ها «کمال تخیل است».^۵

از این رو خیالی بودن و حسن خیال انگیز داشتن امر بیهوده ای نیست. این توان چنان به روشنی و صفای عقل و درون آدمی کمک می کند که فرد را قادر می سازد در زمانی اندک دست به خلق پدیده ای شگفت و غریب بزند. این عنصر برتر بشری در ماده ی خارجی چنان تأثیر می کند که می تواند در آن واحد آن را به خدمت و اطاعت درآورد و مسائل علمی و تکنولوژی هر عصری را کمال بخشد و سرانجام برای جسم آدمی آرامش و آسایش بیشتر فراهم نماید. هم موارد روحی صفات انسانی و وجدانی را اعتلا می دهد و هم نهایتاً با تأثیر حیرت انگیز خود روح و روان را نلطیف می نماید و قدرت همین نیروی حیرت انگیز تخیل است که مردی چون علامه علی اکبر دهخدا را در آستانه ی مرگ دو سه سال زنده نگاه می دارد و او را به مرتبه ای از اعتلای روح می رساند که در آخرین لحظه های حیات این مصرع عارفانه را «به مقامی رسیده ام که مپرس» از غزل دل انگیز حافظ آهسته زیر لب کلمه کلمه تبسم کنان زمزمه می کند تا شمع وجودش خاموش می شود.^۶

چقدر شگفت و جالب است که فعالیت هر نوع اندیشه ی آدمی در منظر اول بدون تخیل و پرتو آن به ظهور نمی رسد و همین اعتقاد است که پیروان مکاتب جدید ادبی از قبیل سوررئالیست ها هنر را نتیجه ی خیال و تخیل دانسته اند.^۷

به هر حال هیچ مطلب مطلوبی نمی یابیم که از نیرو و قوت خیال به دور باشد. در عرفان نیز تجلی، کار تخیل خلاق است. خدا با تخیل ورزیدن است که عالم را آفریده؛ که خدا این عالم را از درون خویش، از قوا و توانایی های ازلی وجود خود برکشیده است، که میان عالم روح ناب و عالم محسوس، جهان برزخ و واسطی هست که جهان عالم مثال باشد و تخیل، آثار خود را درست بر همین عالم که رمز تکوین آن در اصطلاح «عما» آمده است می گذارد.^۸ بنا بر این علم خیال همان علم مریاست، علم سطوح آینه گون و تصویرهای معلق است. این علم، به عنوان علم تماشا به ماهیت تجلی گون مثال های معلق میان وجود و عدم اعتبار است.^۹

علم بیهوده و پندارین تصویری بوج است؛ زیرا از آن که وجود الهی به شناخته شدن اشتیاق دارد، این شناخت ذات الهی هنگامی میسر است که خدا اندام خاص تخیل ذات خود را به کار اندازد؛ درست مثل این که خود ما به گذار از حجاب و کنار زدن آن توفیق نمی یابیم مگر از راه استعداد تخیلی خودمان.^{۱۰}

پس با تقریر این مطالب و شواهد بایستی انصاف داد که دیگر تخیل و خیال انگیزی در زندگی انسان خصوصاً در عرصه ی هنر و ادبیات امری گزاف و مست نیست اما لازمه ی آن، این است که در مورد آن خوب فکر کرد و از خوب فکر کردن بهره ی کافی برد؛ پس آن ها که می خواهند ذوق پروری کنند و در پهنه ی خیال پابرگرده ی آن بگذرانند بدون داشتن این نیرو و فراهم ساختن این اسباب راه به جایی نخواهند برد و از سویی آن ها که در امر پرورش کودکان در مهدهای کودک و دوره های آغازین آموزشی مشغول هستند، می بایستی به این امر واقف باشند که گفتن داستان های خیالی در رشد اندیشه و تحریک عقلانی بیش از پیش کودکان در آینده مؤثر خواهد بود؛ پس اولیای مدرسه ها و مهدهای کودک ناگزیر به دقت و نظارت خواهند بود.

در پایان مقال برای این که مطلب اخیر بیشتر روشن گردد و از طرفی وسعت خیال و خیال انگیزی نموده شود از روی تأمل و دقت کافی به گفته های زیر نظر افکنیم:
تا کجا می برد این نقش به دیوار مرا؟
تا بدان جا که فرو می ماند
چشم از دیدن و لب نیز ز گفتار مرا

لاجورد افق صبح نیشابور و هری است
که در این کاشی کوچک متر اقم شده است
می برد جانب فرغانه و فرخار مرا
گرد خاکستر حلاج و دعای مانی،
شعله ی آتش کرکوی و سرود زرتشت،
پوریای ولی آن شاعر رزم و خوارزم،
می نمایند در این آینه رخسار مرا

... در فضایی که مکان گم شده از وسعت آن
می روم تا به قرونی که زمان برده زیاد
گویی از شهر جبریل در آویخته ام
یا که سیمرخ گرفته است به منقار مرا ...

م. سرشک
و یا
ابرها، چون دودی که از حریق برخیزد و بگریزد،
با شتاب از روی قرص آتشین ماه می گذشتند. جنگل ها
تا دامن افق همه غرق تاریکی و سیاهی بودند. ماه همه،
خاموش در چمنزار نمناک و علفزارهای انبوه و کوره
راه های باریک راه می پیمودیم. ناگهان زیر درختان
صنوبر، جای پنجه های بزرگ گرگان مهاجر را دیدیم که
مدتی به دنبال آن ها می گشتیم. ایستادیم و نفس در سینه
حبس کرده، گوش فر دادیم. هیچ آوایی از دل دشت و
جنگل نمی خاست. فقط پرنده ی فریادی غم انگیز در
آسمان سر داده بود. هیچ صدایی شنیده نمی شد؛ زیرا
باد که بسیار بالای زمین می وزید، پابر سر برج های متزوی

گزارش برگزاری

نخستین همایش علمی - آموزشی دبیران زبان و ادبیات فارسی استان گلستان

اولین همایش علمی - آموزشی دبیران زبان و ادبیات فارسی استان گلستان با حضور ۲۵۰ تن از دبیران سراسر استان و استادان دانشگاه و مؤلفان کتب درسی در شهرستان گرگان برگزار گردید. موضوع کلی این همایش بررسی ارتباط افقی و عمودی کتب زبان و ادبیات فارسی بود. این همایش به همت «انجمن علمی - آموزشی معلمان زبان و ادبیات فارسی استان گلستان» و هیئتی تخصصی گروه آموزشی ادبیات استان گلستان برگزار شد.

مراسم از صبح روز شنبه هفتم مهرماه با سرود جمهوری اسلامی و تلاوت آیات قرآن شروع شد. سپس آقای «علی میرزایی» یکی از مسئولان انجمن علمی استان ضمن خیر مقدم به حضار، گزارشی از فعالیت انجمن علمی معلمان ادبیات استان گلستان در طی یک سال تأسیس را بیان کرد. سخنرانان و موضوع سخنرانی آنان در این همایش به قرار زیر بود:

- آقای حسین قاسم پور مقدم از دفتر تألیف: جایگاه معلم و دانش آموز در فرایند آموزش، علل تغییرات پی درپی کتب درسی و آخرین تغییرات اعمال شده در چاپ ۸۰ و بحث پیرامون نحوه ی سؤالات ادبیات و زبان فارسی در آزمون سراسری.
- آقای فریدون اکبری شلدره ای: نقاط اتصال و انفصال زبان و ادبیات فارسی - موقبل مرکب و جمله های چند جزئی.

- آقای کلایی معاون آموزشی اداره ی کل آموزش و پرورش: لزوم توجه به رعایت کامل نکات نگارشی و املائی در نامه های اداری - انتقاد از دبیران و مسئولان که در نوشته های رسمی خود دچار خطاهای فاحش نگارشی و دستوری می شوند.

- آقای حمید اکرامی: کارشناس گروه های آموزشی استان گلستان: لزوم به کارگیری روش های نوین در تدریس، مقایسه ی روش های تدریس فعال و سنتی.

چند مقاله ی علمی و آموزشی برای فرانت در این همایش ارائه شده بود که به علت کمبود وقت تنها آقای «خادمی» از دبیران ادبیات موفق شد مقاله ی خود را بخواند. موضوع مقاله ی وی عمدتاً ذکر موارد نقص کتاب درسی و گله و شکایت از کمبود وقت و بی توجهی دست اندرکاران تألیف به درس املا و انشای بود.

شرکت کنندگان پس از اقامه ی نماز ظهر و صرف ناهار در باشگاه چندین آناجمن در مکانی واقع در منطقه ی زیبا و جنگلی «ناهارخوری» گرگان به محل برگزاری همایش برگزیدند. به مدت دو ساعت در جلسه ی پرسش و پاسخ با مؤلفان شرکت کردند. بیشتر سؤالات مربوط به مشکلات زبان فارسی بود و مطابق معمول مربوط به درس «دستور».

گروه موسیقی «نی نوازی با هنرنمایی خود در روز همایش شور و شوقی را پدید آوردند. حضور ختام این همایش «عصری با شعر» بود. معلمان شاعر یا فرانت اشعار و سروده های خود لحظاتی را فارغ از قیل و قال مدرسه در محفل صمیمی دوستان خود به سر بردند.

نمایشگاهی از کتب تخصصی ادبیات در جنب همایش تشکیل شده بود که با استقبال بسیار خوب دبیران روبه رو شد.

می نهاد و درختان بلوط که در کنار تخته سنگ ها خم شده بودند، تکیه بر آرنج کرده و گویی در خواب رفته بودند.

آلفرد دورینی / فرانسوی / ترجمه: ش. شفا

و همچنین:

مرا چشمیست خون افشان ز دست آن کمان ابرو
جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو
غلام چشم آن ترکم که در خواب خوش مستی
نگارین گلشنش رویست و مشکین سایبان ابرو
هلالی شد تم زین غم که با طغرای ابرویش
که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان ابرو
رقیبان غافل و مار از آن چشم و جبین هر دم
هزاران گونه پیغام است و حاجب در میان ابرو
روان گوشه گیران را جبینش طرفه گلزار است
که بر طرف سمن زارش همی گردد چمان، ابرو
دگر حور و پری را کس نکوید با چنین حسنی
که این را این چنین چشم است و آن را آن چنان ابرو
تو کافر دل نمی بندی نقاب زلف و می ترسم
که محرابم بگرداند خم آن دل ستان ابرو
اگر چه مرغ زیرک بود حافظ در هواداری
به تیر غمزه صیدش کرد چشم آن کمان ابرو

«سان التیب خواجه حافظ شیرازی»

زیر نویس:
۱- گریس، ویلیام. جی. ادبیات و بازتاب آن، ترجمه بهروز عزیدفتری، انتشارات نیما، سال ۱۳۶۷، ص ۱۸
۲- زرین کوب، عبدالحسین. یادداشت ها و اندیشه ها، انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، سال ۱۳۴۲، صص ۵۲-۵۱
۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، سال ۱۳۶۶، ص ۷
۴- سمیعی، کیوان. تحقیقات ادبی، انتشارات زوآر، چاپ اول، سال ۱۳۶۱، ص ۱۰۶
۵- نصر، سیدحسین. سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام، ص ۴۹
۶- پرهام، مهدی. عشق و سکوت، نشر گستره، آینده، سال چهاردهم، شماره ۹ تا ۱۲، آذر- اسفند- سال ۱۳۶۷، ص ۴۸۸.
۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. همان، ص ۷.
۸- کرین، هانری. آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات فرزاد، چاپ دوم، سال ۱۳۷۳، ص ۳۹۱.
۹- همان، ص ۳۹۳.
۱۰- همان، ص ۳۹۴.